



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

مهدویت گرایی

و جریانهای فکری

منصور پهلوان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مهدویت گرایی و جریانهای فکری

نویسنده:

منصور پهلوان

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تبیان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

- فهرست ۵
- مهدویت گرایی و جریان های فکری ۶
- مشخصات کتاب ۶
- در ابتدا لطفا ضمن معرفی کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» نظرات خود را در مورد این کتاب بیان فرمایید؟ ۶
- اندکی از مباحث کلامی و جریان شناسی فکری و فرق و نحل مندرج در آن کتاب را بازگو فرمایید؟ ۷
- جایگاه موعودیت و مهدویت در اسلام و سایر ادیان چگونه است؟ ۸
- اخباری و اصولی به احادیث مربوط به حضرت مهدی چگونه می نگرند، آیا تفاوت هایی در این دو مکتب می بینید؟ ۸
- جریان دیگری که در مقوله ولایت و... دیدگاه هایی دارد، فرقه شیخیه است. این فرقه در نگاه به مهدویت و انتظار چه نظری دارد؟ ۹
- چه وجوه افتراق و اشتراکی در امر وساطت در شیخیه و آیین مسیحیت وجود دارد؟ ۱۰
- جریان بابیت و بهائیت چه نسبتی با شیخیه دارند؟ ۱۰
- نسبت انتظار با گناه و فساد یا با اعمال صالح چگونه است؟ ۱۱
- ولایت و محبت با فقاہت و شریعت چه رابطه ای دارند؟ ۱۳
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۳

مهدویت گرای و جریان های فکری

مشخصات کتاب

عنوان: مهدویت گرای و جریانهای فکری

پدید آورندگان: منصور پهلوان (پدید آور)

نوع: متن

جنس: مقاله

الکترونیکی

زبان: فارسی

صاحب محتوا: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان

توصیفگر: واقفیه

انتظار فرج

بهایت

کیسانیه

اخباری گری

حکومت امام مهدی (ع)

مهدویت امام مهدی (ع)

شیخیه

وضعیت نشر: قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، ۱۳۸۷

ویرایش: -

خلاصه:

مخاطب:

یادداشت: ,ملزومات سیستم: ویندوز ۹۸+؛ با پشتیبانی متون عربی؛ +IE۶ شیوه دسترسی: شبکه جهانی وبعنوان از روی صفحه

نمایش عنوان داده های الکترونیکی منشأ مقاله: نشریه پگاه حوزه، شماره ۷۳، آبان ۱۳۸۱، صص ۱۶ - ۱۹

شناسه: [oai:tebyan.net/۷۰۶۱](http://oai.tebyan.net/۷۰۶۱)

تاریخ ایجاد رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ تغییر رکورد: ۱۳۸۷/۱۲/۱۴

تاریخ ثبت: ۱۳۸۹/۶/۲۸

قیمت شیء دیجیتال: رایگان

در ابتدا لطفا ضمن معرفی کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» نظرات خود را در مورد این کتاب بیان فرمایید؟

یکی از مسایل اعتقادی مهم شیعه، اعتقاد به مهدویت و ظهور منجی عالم بشری است. این اعتقاد شیعه به نحو عام و گسترده ای شامل همه فرق اسلامی نیز می شود و هر کدام به نحوی در بیان این اصل اعتقادی کتاب ها و تالیفاتی را تنظیم کرده اند. اعتقاد به

مهدویت ریشه در قرآن کریم دارد و قرآن کریم در آیات عدیده ای به ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) اشاره می نماید. مانند وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض؛ «خداوند وعده داده که مؤمنان، خلیفه زمین بشوند و زمین را به حکومت خودشان در بیاورند.» یا آیه ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده و العاقبه للمتقین؛ «عاقبت و فرجام حکومت ها، حکومت صلحا و صالحین خواهد بود.» حتی آیاتی مثل هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون را به ظهور حضرت مهدی (عج) تعبیر و تفسیر کرده اند؛ چون که در زمان پیغمبر اکرم (ص)، اسلام بر همه ادیان چیره نشد و حتی امروز هم که قرن ها از ظهور اسلام گذشته است، اسلام بر همه ادیان الهی غلبه پیدا نکرده و حکومت واحد جهانی نشده است. این آرمان مقدس در زمان حضرت مهدی (عج) تحقق پیدا می کند. در ذیل آیات قرآنی، احادیث بی شماری درباره خصوصیات حضرت مهدی (عج) و خصوصیات این حکومت عدل جهانی مطرح است که شاید کتاب «کمال الدین و تمام النعمه» یکی از بهترین و قدیمی ترین و ارزشمندترین کتاب هایی است که در این زمینه به نگارش در آمده است. نویسنده این کتاب، عالم بزرگوار «ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه القمی» معروف به شیخ صدوق است که یکی از بزرگ ترین علما و محدثین دوره های اسلامی است که از او به عنوان «شیخ المحدثین» یاد می کنند. چون در حقیقت در میان محدثین، شیخ صدوق دارای مقام ویژه و بلندی است. علت نامگذاری این کتاب به «کمال الدین و تمام النعمه» این است که اعتقاد به دین وقتی کامل می شود که ما به قرآن کریم و بیانات پیامبر اکرم (ص) ایمان و اعتقاد داشته باشیم. کمال الدین این نیست که ما فقط بگوییم هر چه قرآن گفته ملاک است و به سخن پیامبر (ص) کاری نداریم. بلکه کمال الدین به ایمان و عمل به قرآن کریم و فرمایشات و دستورات پیغمبر اکرم (ص) است. یکی از دستوراتی که پیامبر اکرم (ص) دادند، در باب امامت و مهدویت است. طبق آیه «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا» دین اسلام با اعلام و صایت حضرت امیرالمؤمنین، کامل شده است؛ یعنی اگر ما دین اسلام را قبول داشته باشیم، اما ولایت، وصایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین را نپذیریم، یک دین ناقصی داریم. به خاطر همین هم همان روز ۱۸ ذی الحجه که اعلام و صایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین و حدیث شریف «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» ابلاغ شده همین روز هم این آیه نازل شده است. پس کمال الدین به پذیرفتن ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) و همین طور اولاد و وصایای پس از حضرت امیرالمؤمنین تا خاتم الاوصیاء حضرت مهدی (عج) است. از منظر دینی کامل ترین شکل دین در اعتقاد به قرآن کریم و پیامبر اکرم و ائمه اطهار تا حضرت مهدی (عج) است که شکل می گیرد. علت نامگذاری «کمال الدین و تمام النعمه» همین آیه شریفه است. کتاب کمال الدین، از کتاب هایی است که شاید به این شهرت، کتابی در میان کتاب های حدیثی نباشد؛ یعنی کتابی که در یک موضوع واحد نوشته شده باشد و این قدر معتبر و مورد استناد و استفاده علما و دانشمندان باشد. بنده توفیق داشتم که متن آن را اعراب گذاری و عباراتش را ترجمه نمایم و اشعار عربی آن را به نظم فارسی در آورم و در اختیار علاقه مندان حضرت مهدی (عج) قرار دهم. این کتاب در سال ۱۳۸۰ از سوی سازمان چاپ و نشر دارالحدیث منتشر شده است. در ضمن این کتاب دارای یک مقدمه طولانی با یک بحث کلامی است و یکی از ارزشمندترین مباحث غیر روایی شیخ صدوق در این مقدمه آمده است. در این مقدمه، حقانیت شیعه امامیه اثنی عشری مطرح و ادله فرق دیگر - اعم از زیدیه، اسماعیلیه، کیسانیه و ... - مورد نقد و بررسی کلامی قرار گرفته است. این مقدمه فوق العاده به لحاظ منطقی و استدلالی بسیار ارزشمند است.

اندکی از مباحث کلامی و جریان شناسی فکری و فرق و نحل مندرج در آن کتاب را بازگو فرمایید؟

یکی از این فرقه ها کیسانیه است. در بحث از کیسانیه، یعنی کسانی که معتقد به امامت محمد بن حنفیه بودند، شیخ صدوق عنوان کرده اند که کیسانیه معتقد به غیبت بودند. غیبت مسئله ای است که در بین انبیا و اولیا از دیرباز وجود داشته و همه فرق هم به آن

معتقد هستند؛ منتها کیسانیه این غیبت را برای محمد بن حنفیه، یعنی فرزند دیگر حضرت امیرالمؤمنین (ع) قائل بودند. آنان به چهار امام معتقد بودند: حضرت امیرالمؤمنین (ع)، حضرت مجتبی (ع)، حضرت سید الشهداء (ع) و محمد بن حنفیه. به زعم آنان، محمد بن حنفیه امام است و غایب. کسانی از علما و ادبا و بزرگان هم بر عقیده کیسانیه بوده اند؛ مثلاً سید بن محمد حمیری که از شعرای معروف ائمه اطهار (ع) است. او در ابتدای کار، این گرایش را داشته است. شیخ صدوق عقیده کیسانیه را نقل کرده و بعد هم به نقد آن پرداخته است. یکی دیگر از این فرقه ها، فرقه «ناووسیه» است. ناووسیه کسانی بودند که اعتقاد داشتند این غیبت درباره حضرت امام صادق (ع) واقع شده است. آنها در مسئله غیبت، با شیعه اثنی عشری هم عقیده هستند، ولی آن را بر امام صادق (ع) تطبیق کرده، گفتند که کسی که غیبت کرده امام صادق (ع) است. البته شیخ صدوق احادیث مربوط به شهادت امام صادق (ع) را ذکر و مدلل می کند که اعتقاد آنها باطل است. دیگر فرقه مورد بحث، فرقه «واقفیه» می باشد. آنها کسانی هستند که در امر غیبت بر یکی دیگر از ائمه (ع) توقف کردند و امامت را در حضرت امام حسن عسگری (ع) محدود کردند. در این خصوص شیخ صدوق این عبارت را به کار می برد: «ثم ادعت الواقفة علی الحسن بن علی بن محمد (ع) ان الغیبة وقعت به لصحة امر الغیبة عندهم»؛ یعنی واقفیه کسانی بودند که غیبت را برای حضرت امام حسن عسگری (ع) در نظر گرفتند و گفتند که امام حسن عسگری (ع) غیبت کرده است.

جایگاه موعودیت و مهدویت در اسلام و سایر ادیان چگونه است؟

اعتقاد به مهدویت یک اعتقاد اصیل اسلامی است؛ یعنی هر کسی به قرآن معتقد باشد، بلکه هر کسی به ادیان الهی معتقد باشد، به موعود هم اعتقاد دارد؛ چون ما می بینیم که بشارت به موعود در همه ادیان هست؛ در مسیحیت در یهود، در زرتشتی و همه ادیان وجود دارد. همه می گویند که او خواهد آمد. منجی عالم بشریت خواهد آمد. در حقیقت یک تصویر روشنی از آینده بشریت ارائه کرده اند و این برای بشر می تواند خیلی محرک و چراغ روشن و مشعل فروزانی باشد که همه را به سمت این آرمان مقدس جلب نموده و با تلاش و فعالیت و با امید و انتظار به تحقق این آرمان بزرگ، زندگی دنیایی خود را ترسیم و تنظیم نمایند. در اسلام هم با توجه به تأکیداتی که در آیات قرآن است، این مطلب برای همه مسلمانان خیلی روشن است. من می توانم بگویم که اعتقاد به مهدویت، معادل اعتقاد به ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین (ع) و معادل اعتقاد به پیامبر اکرم (ص) است. یعنی اینها در یک راستا و در یک جهت هستند. نمی شود یک نفر بگوید من مسلمان هستم، ولی به آیات قرآن اعتقاد ندارم؛ من مسلمان هستم، ولی به آیات مهدویت یا آیات مربوط به آینده روشن در جهان اعتقاد ندارم. بالاخره اینها جزء قرآنند. اینها وابسته به همدیگرند. این آیات عدیده که در کتاب مرحوم شیخ هاشم بحرانی با عنوان «المهجة فی ما نزل فی القائم الحجة» بالغ بر ۱۳۰ آیه احصا شده است، تعبیر و تفسیر آن درباره حضرت مهدی (عج) می باشد. مثلاً در ابتدای قرآن که می خوانید «الذین یؤمنون بالغیب» یعنی این که مؤمن کسی است که تنها به آن چیزی که مشهود بوده بسنده نمی کند، چرا که شهود ما خیلی اندک است و بسیاری از حقایق وجود دارد که مشهود ما نیست، ولی وجود دارد. خیلی چیزها به چشم سر دیده نمی شوند، ولی وجود دارند. اعتقاد به مهدویت هم از این قبیل است.

اخباری و اصولی به احادیث مربوط به حضرت مهدی چگونه می نگرند، آیا تفاوت هایی در این دو مکتب می بینید؟

اخباریون کسانی هستند که توجه ویژه ای نسبت به اخبار دارند و برخی از ادله صحت و سقم احادیث را هم به گونه اصولیین پذیرفته اند و هر حدیثی را که در کتاب های روایی وجود دارد معتبر دانسته و رد این احادیث را جایز نمی دانند. اصولیین معتقدند که به هر حال یک اصولی حاکم است و اخبار باید مورد بررسی قرار بگیرد و ممکن است صدور بعضی از احادیث قطعی باشد و

برخی از آنها قطعی نباشد. ولی بعضی از اخباریین، ضمن این که اصل اعتقادی آن ها نسبت به ائمه (ع) صحیح و درست است - یعنی ائمه را در یک جایگاه رفیعی در دین می دانند - اما توجه ندارند که خود آنان فرموده اند که در بین احادیث، صحیح و ناصحیح وجود دارد؛ یعنی احادیث ناروایی هم وارد شده است. مثلاً حدیثی که مشتمل بر قول رکیک باشد، این جزء فرمایش ائمه معصومین (ع) نیست؛ و لو این که در کتب روایی نقل هم شده باشد. یا فرض بفرمایید در خطبه ۲۰۱ نهج البلاغه آمده است که آن قدر احادیث دروغین در زمان حضرت رسول اکرم (ص) به وجود آمد که حضرت رسول اکرم (ص) برخاستند و خطبه خواندند و فرمودند که کسی که یک کلامی را به من نسبت ناروا بدهد، جایگاهش در آتش خواهد بود. بنابراین اخباریون در مقام ادعا می گویند که ائمه اطهار (ع) دارای مقام والایی هستند و احادیثی که در کتب نقل شده - ولو این که ممکن است از ناحیه آنها صادر نشده باشد - در نظر ما محترم می باشد و البته ما هم در این اعتقادات تا حدودی شریک هستیم. ما هم تا آن جایی که ضرورتی اقتضا نکند، روایتی را رد نمی کنیم؛ یعنی علمای ما، بزرگان ما مثلاً میرداماد یا دیگران، بزرگان و فقهای ما، گاهی می گویند ما به این روایات فتوا می دهیم، به آن روایت فتوا نمی دهیم، بدون این که بخواهند بگویند آن روایت جعل یا کذب یا نظایر اینها است. روایات هم مثل قرآن در شرایط مختلف نازل می شوند. ممکن است یک کلامی از معصوم صادر شده باشد، ولی امروز باید طبق ملاک اینها سنجیده شود و اگر فقیه می خواهد به حدیثی فتوا بدهد، باید درستی آن برایش مدلل و ثابت شود. اخباریین در این زمینه قدری با ما اختلاف دارند. آنها ملاک های صحت و سقم را در مورد احادیث جاری نمی کنند و حدیث را به صرف این که در کتب اخبار وجود داشته باشد، معتبر قلمداد می کنند. اگر کسانی این طور باشند، البته علمای اصولی ما آنها را مورد نقد قرار می دهند؛ چرا که در این رابطه با آنها اختلاف مشرب داریم. اما در مسئله اعتقاد به مهدویت، بین ما و اخباریون اختلافی در اصول وجود ندارد؛ یعنی آنها به ائمه اطهار، ولایت، امامت و وصایت حضرت مهدی (عج) معتقد هستند. البته ممکن است بعضی از روایاتی که درباره حضرت مهدی (عج) آمده است، آنها بدون چون و چرا بپذیرند، یا این که آنها را ملاک اعتقادات خودشان قرار دهند؛ ولی اصولیین، اصل اعتقاد به مهدویت را از قرآن و روایات پذیرفتند. بعضی از روایاتی که مربوط به جزئیات بحث مهدویت است و جزء اصول اعتقادی ما به حساب نمی آیند، لزومی ندارد که ما به همه آنها اعتقاد داشته باشیم. ما باید اعتقاد به حضرت مهدی (ع)، دوازدهمین وصی پیغمبر اکرم (ص) و به منجی عالم بشریت اعتقاد داشته باشیم و اعتقاد هم داریم. اما این که مثلاً در روایتی آمده که «دجال» شکل و شمایل خاصی داشته، دیگر جزو اصول اعتقادات ما نیست. همچنین است مسئله علائم ظهور. اساتید بزرگوار ما می فرمودند که این علائم ظهور، غالباً «بدایی» هستند؛ یعنی خداوند عالم در یک شب امر فرج حضرت مهدی (عج) را اصلاح می کند. این که ما دعا می کنیم برای فرج حضرت مهدی (عج) به خاطر این است که نوع علائم ظهور بدایی هستند. بنابراین لزومی ندارد که ما جمود بکنیم بر آن علائم؛ ولی ممکن است در این مسئله اخباریان چنین اعتقادی نداشته باشند و فکر کنند که تمام آن علائم و یا تمام آن ویژگی ها و خصوصیات که در کتب اخبار نقل شده، بایست تحقق پیدا کند. خداوند مبسوط الید است. این علائم و ویژگی هایی که ذکر شده است، دست خداوند را نمی بندد. خدا فعال ما یشاء است. اگر از لحاظ روابط علی و معلولی که در جهان وجود دارد، خداوند بخواهد مثلاً یک مریض لاعلاجی را شفا بدهد، شفا می دهد؛ چرا که اراده و مشیت خداوند حاکم بر همه روابط علی و معلولی و همه چیز هست. هر چه خداوند بخواهد، همان محقق می شود.

جریان دیگری که در مقوله ولایت و... دیدگاه هایی دارد، فرقه شیخیه است. این فرقه در نگاه به مهدویت و انتظار چه نظری دارد؟

شیخیه که پیروان شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی هستند، دارای مذاق اخباری گری هستند؛ اما علاوه بر اخباری گری یک مطلب خلافی هم در کار شیخیه وجود دارد و آن این است که معتقد به «رکن رابع» هستند. می گویند که ما برای آن که خدا را

بشناسیم، باید پیغمبر را بشناسیم، چون شناخت خدا بر ما مقدور نیست. ما برای این که پیغمبر را بشناسیم باید امام را بشناسیم. شناخت پیامبر با آن کمالات که صادر اول است، از ناحیه حق متعال بر ما مقدور نیست و برای این که امام را بشناسیم، باید رکن رابع را بشناسیم باید واسطه بین امام و مردم را بشناسیم و شناسایی امام با آن کمالات که قلب عالم وجود است، برای ما مقدور نیست. ما کجا می توانیم امیر المؤمنین (ع) را بشناسیم؟ ما کجا می توانیم حضرت مهدی (عج) را بشناسیم؟ ما باید رکن رابع را بشناسیم. رکن رابع یعنی کسی که واسطه میان مردم و امام است و در حقیقت شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی خودشان را دارای همچین مقامی می دانستند. این اعتقاد از نظر ما امامیه به کل مردود است. در ادعیه آمده است: الهم عرفنی نفسک فانک ان لم تعرفنی نفسک لم اعرف نبیک...؛ یعنی راه معرفت از پایین نیست؛ راه معرفت از بالاست. مثلاً کسی که در استرالیا نشسته، کجا رکن رابع را می خواهد بشناسد، کجا شیخ احمد احسائی را می خواهد بشناسد، آنان در حقیقت معتقد بودند به یک نوع باب سفارت و نیابت بین حضرت مهدی (عج) و مردم را به طور رسمی باز کردند و این که شناخت حضرت مهدی (عج) باید از طریق نواب و از طریق نایب خاص آن حضرت که اسم آن را گذاشتند «قریه ظاهره» که از آیه قرآن گرفته شده است. اما یک نفر که در استرالیا است، چگونه بیاید این آقا را بشناسد. او با اعتقاد قلبی خودش به یک خدایی که او را آفریده پی می برد؛ حال در هر جای دنیا که باشد. چرا که اعتقاد به وجود خداوند، فطری است. هر کسی رابطه ای می تواند با خداوند داشته باشد. پیامبران ظاهر آمده اند که همان حکم عقل را بیان نمایند: ان لله علی الناس حجتین حجتا ظاهره و حجتا باطنه. عقل، پیامبر باطنی است. همان طور که پیامبر آمده است مردم را به خداوند دعوت کند، عقل ما هم ما را دعوت می کند.

چه وجوه افتراق و اشتراکی در امر وساطت در شیخیه و آیین مسیحیت وجود دارد؟

از یک جهت اشتراک وجود دارد؛ اشتراک در آن جاست که ما می گوئیم که اگر کسی گناهکار است، نباید آبروی خودش را پیش عمرو و زید ببرد و اعتراف کند. مثلاً برود پیش یک مجتهدی یک مرجع تقلیدی یک پیش نمازی بگوید آقا ببخشید! یا من اعتراف می کنم پیش شما. ما چنین چیزی در اسلام نداریم؛ بلکه می فرماید خود این شخص پیش خدا توبه کند. چرا که خداوند توبه پذیر است. خدا از هر کسی به ما نزدیک تر است. کشیش هم یک بنده از بندگان خداست که ممکن است گناهان او به مراتب بیشتر از آن ساده لوحی باشد که آمده و دارد پیش آن کشیش اعتراف می کند. چون ما نمی دانیم در پیشگاه خدا چگونه حساب می کنند؛ شاید یک نفر که ظاهرش هم خیلی خوب است، ولی از درگاه خدا خیلی دور باشد و ممکن است یک نفر هم که ظاهرش بد است، خیلی نزدیک و مقرب باشد در دستگاه الهی. شیخیه نیز ادعای ضرورت واسطه در معرفت را دارند. در واقع معرفت یا مغفرت به عنوان واسطه نشان دهنده اشتراک این دو دیدگاه است. کشیش واسطه مغفرت است و آن رکن رابع نیز که آنها ذکر می کنند، واسطه معرفت است.

جریان بابت و بهائیت چه نسبتی با شیخیه دارند؟

درباره بابت و بهائیت عرض می کنم که بابت در بستر شیخی گری ایجاد شد؛ یعنی همان مسئله رکن رابعی که شیخیه در پرده می گفتند و برای خودشان چنین مقام و موقعیتی قائل بودند، همان را به طور صریح و روشن یک جوان شیرازی به نام میرزا علی محمد باب (شیرازی) ادعا کرد که من همان رکن رابع هستم. کم کم به جای رکن رابع، از کلمه «باب» استفاده کردند و خود را واسطه بین مردم و امام زمان (عج) عنوان نمودند. در اسلام و خصوصاً تشیع شدیداً مخالف است با این که کسی ادعا بکند که من نایب خاص حضرت مهدی (عج) هستم. «و من ادع المشاهده فانه کذاب» اگر کسی ادعای مشاهده کند، او دروغگو است. در توحیح از ناحیه حضرت مهدی (عج) این عبارت مطرح گردیده است. ولی با آن بستری که شیخیه فراهم کرده بودند، باعث شد که این

شخص ادعای باییت کند و به دنبال آن هم ادعای نبوت و آئین و شرع و کتاب و نسخ اسلام نمود و بعد از آن هم که میرزا حسین علی بهاء آمد و اصلاً آیین باییت را نسخ کرد و بحث اعتقاد به حضرت مهدی (عج) و آن که یک نفر باید واسطه و باب باشد را هم از بین بردند و آیین دیگری درست کردند که مبانی آن با مبانی اعتقادی اسلام بالکل تعارض دارد؛ یعنی خارج از اسلام است. کسی که قرآن و احادیث ائمه (ع) را نسخ شده بداند، این خارج از اسلام است. در حقیقت این بستری که شیخیه آرام آرام شروع کردند، میرزا علی محمد باب آمد و ادعای اولیه اش ادعای باییت بود و واسطه خلائق و خود آن باب هم ادعای افزون تری کرد و به اصطلاح کتاب آسمانی و کتاب بیان آورد که ناسخ اسلام و قرآن است و بعد هم میرزا حسین علی بهاء آمد که ناسخ باییه شد. در حقیقت به قول استاد ما که می فرمودند: «آتش به جان شمع فند که این بلا نهاد» این عقیده انحرافی کوچکی که شیخیه ایجاد کردند، باعث شد که این انحراف در بین عده زیادی به وجود آید.

نسبت انتظار با گناه و فساد یا با اعمال صالح چگونه است؟

ما در احادیث بی شماری داریم که در روند گذشت ایام، دنیا به جایی می رسد که پر از ظلم و جور می شود. مثلاً در بسیاری از احادیث داریم که «یملأ الله به الارض قسماً و عدلاً بعدها ملئت و ظلماً و جوراً» یعنی خداوند به وسیله حضرت مهدی (عج) عدل و داد را در زمین آکنده می کند، از آن پس که پر از ظلم و جور شده باشد. البته در جهان می بینیم که ظلم و فساد که توسط امپریالیسم و توسط کشورهای جهانخوار و ستمگران و سرمایه داران و غیره، ظلم های اقتصادی و سایر ظلم ها بر مستضعفین نقاط مختلف عالم اعمال می شود، ما امیدواریم که این روند کاهش پیدا کند و به تدریج عدل و داد جایگزین ظلم و تباهی بشود. امیدوار هستیم و وظیفه هر مسلمان این است که تلاش کند و اصلاحات جزئی و اصلاحات کم را کوچک نشمارد و انجام بدهد. در حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که «افعل الخیر و لاتحقر منه شیئاً فان صغیره و قلیله کثیر» یعنی کار خیر را انجام بدهید و هیچ موقع آن را کوچک نشمارید که کار خیر کوچک هم در پیشگاه خدا بزرگ است و قلیل آن هم بسیار است. این یک مطلب خیلی صحیح و درست است؛ اما در جامعه ممکن است این اقداماتی که مؤمنان و صالحان انجام می دهند، برای تحقق عدل و داد، اینها منجر به نتیجه نهایی نشود و ظلم و جور در دنیا رو به نقصان و کاهش نباشد؛ ولی ما باید وظیفه صلاح خود را انجام دهیم. ما جلوگیری از ظلم و فساد را باید در برنامه خود داشته باشیم. حالا اگر خداوند مقدر کرده که دنیا پر از ظلم و جور بشود، چیزی از وظیفه انسان مسلمان نمی کاهشد. مسلمان باید وظیفه اش را انجام بدهد، اگر توانست در مورد خانواده، شهر و مملکت و جوامع اسلامی و سایر جوامع در هر حدی که می تواند وظیفه خود را انجام دهد. وظیفه یک فرد مسلمان ترویج صلاح است. وظیفه یک فرد مسلمان امر به معروف و نهی از منکر است. وظیفه یک فرد مسلمان دفاع از حقانیت است. وظیفه یک فرد مسلمان در شرایط خود، جهاد در راه خدا با اموال و انفس است. وظیفه یک فرد مسلمان تحقق آرمان های مقدس حضرت مهدی (عج) در برقراری حکومت عدل و داد جهانی است. وظیفه ای که برای امام است، عیناً برای ماموم هم هست. امتی که در انتظار مصلح است، باید صالح باشد؛ یعنی خودش باید صالح باشد و در این راستا حرکت کند. ما در بعضی از احادیث داریم که می فرمایند. برای قیام حضرت مهدی (عج) خودتان را آماده کنید و تجهیز سلاح بکنید «و لو بسهم» یعنی اگر چه با یک تیر باشد. علمای ربانی ما کسانی بودند که شمشیرشان را برای دفاع از حضرت مهدی (عج) و برای جنگ کردن در رکاب حضرت مهدی (عج) آماده کرده بودند و این را همراه خودشان داشتند. شب که می خواستند، بخوابند آن را زیر بستر خودشان قرار می دادند و روزهای جمعه یا روزهای تعطیل شمشیربازی می کردند و خودشان را مهیا می کردند که هر موقع حضرت ظهور کرد، بتوانند در رکاب حضرت مهدی (عج) فعالیت و تلاش کنند. در سفرنامه معروف ابن بطوطه آمده است که من وقتی آمدم شیعیان حله را دیدم که با چه شوری روزهای جمعه می آیند و خودشان را با شمشیرها آماده می کنند و می گویند که: «به در آی ای مهدی صاحب الزمان (عج)

؛ بدرآی تا ما در رکاب تو جانفشانی بکنیم» و تمرین می‌کردند و مسابقه می‌نمودند و خودشان را آماده می‌کردند. واقعا باید شیعه هر لحظه منتظر باشد که حضرت ظهور کند و در رکاب آن حضرت جانفشانی بکند و تلاش و فعالیت بکند و وظیفه خودش را به نحو احسن انجام بدهد. اما اگر روند و حرکت تاریخ به سویی برود که در دنیا ظلم و فساد هیات حاکمه و امپریالیسم و بی‌دین‌ها و زورمداران و زرپرستان به اوج برسد، آن یک چیزی است که در علم خداوند است و ارتباطی به وظیفه ما ندارد. مسلمان نمی‌تواند بگوید من بیایم ظلم و فساد را ترویج بکنم، برای این که حضرت صاحب ظهور کند. این خلاف هدف حضرت مهدی (عج) است. حضرت مهدی که نمی‌فرماید ظلم و فساد را زیاد بکنید. می‌فرماید من می‌خواهم ظلم و فساد را از بین ببرم. مسلمان باید ظلم و فساد را از بین ببرد. مارکسیست‌ها و هگلیست‌ها که به بحث تز و آنتی تز و سنتز معتقد بودند، می‌گفتند که برای این که مثلا نظام سرمایه داری به وجود بیاید، باید نظام فئودالیسم از درون پیوسد. باید ظلم و ستم فئودالیسم به نهایت برسد تا سرمایه داری در آن ایجاد شود. برای این که سوسیالیسم به وجود بیاید، باید سرمایه داری از درون پیوسد؛ یعنی هر دوره ای را مبتنی می‌کردند بر تباهی دوره قبل که به صورت تز و آنتی تز و سنتز رخ می‌دهد. از نظر مارکسیست‌ها این مطلب جایز است که اگر مثلا حکومت فاسد را بخواهیم ساقط کنیم، یک مقداری هم ما ظلم و جور اضافه بکنیم تا پای این حکومت نوشته بشود تا مردم یک انقلاب نهایی بکنند و این را سرنگون بکنند. از نظر اسلام این امر کاری قبیح است یعنی ممکن است که ما هدفمان خوب باشد، ولی وسیله مان نیز باید خوب باشد. نمی‌توانیم بگوییم که هدف، وسیله را مباح می‌کند. این حرف کمونیست‌ها و مارکسیست‌ها است. استاد بزرگوارمان شهید مطهری، در قبل از انقلاب، مباحث این گونه را با جدیت و با توجه فوق العاده ای مطرح می‌کردند. تفاوت‌های بین نظام مقدس اسلامی و نظام‌های هگلیستی و مارکسیستی و فلسفه تاریخ آنها خیلی با عنایت در کتاب‌های ایشان آمده است. در کتاب کوچکی هم به نام «قیام و انقلاب مهدی (عج)» همین مباحث را مطرح نموده اند. ایشان در آن کتاب مرقوم فرموده اند که اصلاحات جزئی از نظر مسلمان روا است و باید انجام بگیرد و هدف، وسیله را مباح نمی‌کند. اگر ما هدفمان خوب باشد، وسیله مان هم باید خوب باشد، اگر ما می‌خواهیم حکومت عدل تحقق پیدا کند، باید از ابزار خوب هم استفاده کنیم. ظلم و فساد، ابزار صحیح و درستی از نظر منطق اسلام نیست، ولو این که بخواهد یک حکومت صالح هم به زعم خودش سرکار بیاورد؛ باید از طریق صحیح و درست آن استفاده کرد. پس این فکر که ما بیائیم دنیا را پر از ظلم و جور بکنیم یا این که اندیشه و فلسفه و طرحمان این باشد که ظلم و فساد را عالمگیر بکنیم تا بر اساس آن ظلم و فساد آن عدل الهی تحقق پیدا کند، این یک فکر مارکسیستی است، نه اسلامی. من اعتقاد دارم مسلمانی که معتقد به قرآن و معتقد به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار است چنین اعتقادی را نمی‌تواند داشته باشد و ندارد. چطور می‌شود که یک نفر قرآن بخواند، امر به معروف و نهی از منکر انجام ندهد؟ این همه آیاتی که راجع به عدل و داد و آنها است، آنها را نادیده بگیرد و بگوید من می‌خواهم ظلم و فساد را بیشتر کنم؟ اتفاقا این یک بحثی است که مربوط به ماتریالیست‌ها است و این را به مسلمین نیز نسبت می‌دهند. جدا از این، کسانی که در راه اصلاح عقیده مهدویت و حضرت مهدی (عج) در طول تاریخ بوده اند، در راستای فقاقت و در راستای تبعیت از احکام اسلامی گام برداشته اند، این گونه نبودند. چنین مطلبی مربوط به مسلمین نیست؛ مربوط به شیعیان نیست و خارج از دایره اسلام و اعتقاد به توحید است. کسانی چنین حرفی می‌زنند که اصلا مبانی را قبول نداشته باشند و مادی باشند؛ او می‌تواند چنین حرفی بزند. در بین مسلمین ما چنین کسی را نمی‌شناسیم. اگر هم کسی باشد، او معتقد به اسلام و قرآن و امام زمان (عج) نیست. امام زمان (عج) کجا راضی است که یک نفر بیاید فساد بکند؟ بنابراین کسی که در انتظار حکومت حضرت مهدی (عج) است، باید اهداف حضرت مهدی (عج) را ترویج بکند. باید کارهای حضرت مهدی (عج) را انجام بدهد. باید برای ریشه کن کردن ظلم و فساد تلاش بکند. حالا- اگر روال حرکت‌های اجتماعی جهان به نحوی است که آن زورمداران و ظلمه حاکم می‌شوند و از بستر آن ظلم، اراده خداوند تعلق می‌گیرد، بعد از آن که دنیا پر از ظلم و جور شد، حکومت عدل الهی تحقق پیدا کند. این مربوط به قضای الهی

است؛ مربوط به وظیفه ما نیست. ما نمی‌توانیم بگوییم باید ظلم و فساد را زیاد بکنیم تا حضرت صاحب ظهور کند. این حرف غلطی است. اگر کسی این حرف را بزند، مسلمان نیست.

ولایت و محبت با فقاہت و شریعت چه رابطه‌ای دارند؟

محبت یک حرف صحیحی است. ما در بعضی از احادیث داریم: «هل الدین الا-الحب»، آیا دین جز محبت، چیز دیگری هم هست. حب خدا، حب اولیای خدا، حب پیامبر و ائمه اطهار، بسیار جایگاه بالایی دارد. در واقع این بحث همان تولی و تبری است. دوست داشتن دوستان خدا و دشمن شمردن دشمنان خدا. «والذین معه اشداء علی الکفار، رحماء بینهم». هم محبت و هم شدت هر دو هست. محبت تنها کافی نیست، باید محبت با عمل صالح توأم باشد. یک شعر بسیار جالب از امام باقر یا امام صادق (ع) در کتاب کافی نقل شده است به این مضمون: «تعزل الهه و انت تظهر حبه هذا لامرک فی الفعال بدیعه لو کان حبک صادقاً لاطعته الا المبحه لمن احبه مطیعه»؛ یعنی معصیت و نافرمانی خدا می‌کنی و اظهار حب خدا می‌نمایی. این یک عمل بدیع و عجیبی در آفرینش است. حب تو صادق نیست. اگر حب تو صادق بود، اطاعت می‌کردی؛ زیرا که محب، مطیع محبوب است. بنابراین خداوند عالم در قرآن کریم، دستوراتی برای سعادت دنیا و آخرت داده است. برای سعادت، صرف محبت کافی نیست. صرف حب قلبی کافی نیست؛ بلکه باید با عمل، مجاهدت، تلاش، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد باشد. اینها اگر همراه با آن اعتقاد شایسته و درست باشد، ممکن است خداوند ما را مورد مغفرت خویش قرار دهد؛ محبت صرف، ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی‌آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به

محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزارهای علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۰۲۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

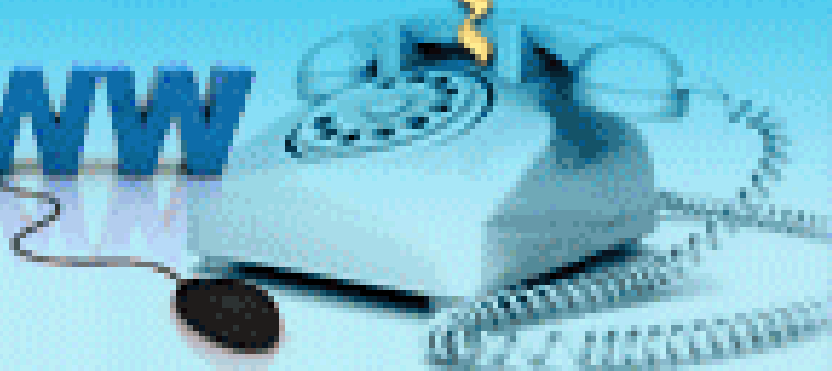


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

